

Review of Saudi Arabia's aggressive policy against Yemen From the perspective of international law

Abstract

The Yemeni crisis initially seemed to be an internal affair, however, Saudi Arabia's aggressive action against Yemen showed that Yemen's internal developments are not limited to this country, but even face a military response from other countries. Therefore, considering the consequences of the Saudi war against Yemen, the question arises as to how the crisis situation can be explained from a legal point of view. With the aim of examining the subject in this research in a descriptive-analytical way to express the Yemeni crisis and the reasons for its formation, UN actions and legal reactions through the adoption of resolutions, the thematic axes of the resolutions theoretically and on the other hand to the effects And the consequences of violating international law in Yemen will be addressed.

Keywords: Saudi Arabia, Yemen, Crisis, War, West Asia, International Law

بررسی سیاست تهاجمی عربستان سعودی علیه یمن

از منظر حقوق بین الملل

علی فعال^۱ - محمدشاه محمدی^۲

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۱۱/۲۵

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۱۱/۱۲

چکیده

بحران یمن در ابتدا یک امر داخلی به نظر می‌رسید با این حال اقدام تهاجمی عربستان علیه یمن این مسئله را نشان داد که تحولات درونی یمن محدود به این کشور نیست بلکه حتی با واکنش نظامی سایر کشورها روبرو می‌شود. از همین رو با توجه به تبعات جنگ عربستان علیه یمن این مسئله مطرح می‌شود که از منظر حقوقی وضعیت بحران چگونه قابل تبیین است. با این هدف برای بررسی موضوع در این پژوهش به روش توصیفی-تحلیلی به بیان بحران یمن و دلایل شکل‌گیری آن، اقدامات سازمان ملل و واکنش‌های حقوقی از طریق در تصویب قطعنامه‌ها، محورهای موضوعی قطعنامه‌ها به صورت نظری و در سوی دیگر به آثار و پیامدهای نقض حقوق بین‌المللی در میدان یمن پرداخته خواهد شد.

واژگان کلیدی: عربستان، یمن، بحران، جنگ، غرب آسیا، حقوق بین‌الملل

^۱ کارشناس ارشد مطالعات منطقه‌ای خاورمیانه و شمال آفریقا دانشگاه مفید، قم، ایران (نویسنده مسئول).

Alifaalmofidu@gmail.com

^۲ استادیار و عضو هیئت‌علمی دانشگاه و پژوهشگاه عالی دفاع ملی، ایران

M.shahmohammadi@sndu.ac.ir

از اواخر سال ۲۰۱۰ میلادی و وقوع بهار عربی در کشورهای عرب زبان، یمن نیز گرفتار بحران سیاسی شد و در سال ۲۰۱۵ با حمله دولت عربستان سعودی و گروه ائتلاف مواجه گردید. تهاجم عربستان در ۲۰۱۵ تفاوت ماهوی با حمله ۲۰۰۹ در جنگ صعده این کشور علیه یمن دارد چراکه در سال ۲۰۱۵ پس از قیام مردمی در ۲۰۱۱ و برکناری صالح که از هم پیمانان عربستان است صورت می گیرد. با این برکناری حوثی ها قدرت قابل توجهی در یمن کسب می کنند که موجب نگرانی ها عربستان و همپیمانان منطقه ای و فرامنطقه ای آن شده که با عملیات طوفان قاطع واکنش داده شد. بازیگران اصلی صحنه عملیات میدانی یمن شامل ائتلاف عربی به رهبری عربستان سعودی، مزدوران وابسته به عبد ربه منصور هادی رئیس جمهوری فراری و مستعفی یمن، ارتش و نیروهای مردمی یمن زیر نظر جنبش انصار الله و کنگره مردمی به رهبری علی عبدالله صالح و هم چنین گروه های مختلف تروریستی به خصوص نیروهای القاعده است. بازیگران فرامنطقه ای نظیر آمریکا نیز حضور غیرمستقیم در عرصه عملیاتی یمن دارند. برخی از گروه های سیاسی اصلی یمن نیز در این جنگ در کنار عربستان سعودی حضور دارند که قبیله الاحمر که از بزرگ ترین قبایل یمن است، حزب اخوانی الاصلاح و گروه های سلفی یمن از جمله این گروه ها هستند. میدان جنگ یمن، ولایت های صنعا، تعز، عدن، حضرموت، مأرب، صعده و الجوف است.

یمن شاهد جنگ ارتش و نیروهای وابسته به جنبش انصار الله و کنگره مردمی با ائتلاف سعودی به رهبری عربستان، جنگ ارتش و نیروهای جنبش انصار الله و کنگره مردمی با مزدوران وابسته به عبد ربه منصور هادی، ارتش و نیروهای جنبش انصار الله و کنگره مردمی با تروریست های القاعده و هم چنین جنگ نیروهای منصور هادی با تروریست های القاعده است؛ بنابراین در عرصه میدانی یمن دو گروه باهم درگیر جنگ نیستند بلکه چهار گروه با یکدیگر می جنگند.

حمله عربستان از منظر حقوق دانان برجسته حقوق بین الملل به دلیل عدم اخذ مجوز از شورای امنیت - مطابق ماده ۱۵ منشور - از طرفی و از سوی دیگر از آنجا که به این کشور حمله ای از خارج نشده است فاقد مشروعیت الزم در خصوص حمله نظامی به یمن می باشد. مضافاً بر اینکه عربستان مدعی است به دلیل درخواست دولت یمن مبادرت به دخالت نظامی به یمن نموده است و نظر به اینکه دولت درخواست کننده فاقد حاکمیت و اقتدار در سرزمین خویش بوده، بنابراین این گونه رضایت نیز از منظر حقوق بین الملل محل تردید جدی قرار گرفته است و قانون اساسی یمن نیز به دولت خود چنین اجازه ای را نداده است. با این حال این پژوهش بجای پرداختن به مسئله قانون اساسی به دنبال بررسی پیامدهای حقوقی بحران است. بنابراین توجه به تبعات جنگ عربستان علیه یمن این مسئله مطرح می شود که چگونه اقدام نظامی عربستان به شکل گیری وضعیت بحران از منظر حقوقی در یمن منجر شده است؟ با این هدف برای بررسی موضوع در این پژوهش به روش توصیفی-تحلیلی به بیان بحران یمن و دلایل شکل گیری آن، اقدامات سازمان ملل و واکنش های حقوقی از طریق در تصویب قطعنامه ها، محورهای موضوعی قطعنامه ها به صورت نظری و در سوی دیگر به آثار و پیامدهای نقض حقوق بین المللی در میدان یمن پرداخته خواهد شد.

چارچوب مفهومی

مخاصمات مسلحانه بین‌المللی شده، جنگی است که ابتدا به واسطه درگیری مسلحانه میان نیروهای مسلح حکومتی و شورشیان به صورت داخلی آغاز می‌شود، امام بعداً به واسطه ورود و مداخله کشور ثالث ابعاد بین‌المللی پیدا نموده و تبدیل به وضعیتی می‌گردد که دیگر واجد خصیصه داخلی محض نیست. کنوانسیون‌های ژنو هیچ کدام حاوی ماده‌ای در چگونگی تسری حقوق جنگ به جنگ‌های داخلی بین‌المللی شده نیستند. در مورد ماهیت مخصوصات بین‌المللی شده دیدگاه‌های متفاوتی مطرح می‌شود. دادگاه یوگسلاوی سابق اعلام می‌کند که یک مخصوصه می‌تواند در زمان‌ها و مکان‌های مختلف، مخصوصه مسلحانه داخلی یا بین‌المللی و یا مخصوصه مختلط داخلی-بین‌المللی شده باشد. دیدگاه مختلط مذکور، در این عبارت رأی فرجامی پرونده تادیچ به صراحت بیان شده که عنوان می‌دارد یک مخصوصه می‌تواند بسته به شرایط در کنار یک مخصوصه مسلحانه داخلی، دارای ویژگی بین‌المللی باشد. به نظر قاضی شهاب‌الدین اگر مخصوصه مسلحانه‌ای میان گروه تجزیه طلب و حکومت مرکزی رخ دهد و مداخله نظامی دولت خارجی در حمایت از گروه تجزیه طلب با مقاومت دولت مرکزی روبه‌رو شود، مداخله نظامی خارجی آشکارا منجر به مخصوصه مسلحانه بین‌المللی شده و کنوانسیون چهارم قابل اعمال خواهد بود؛ بنابراین، اگر دولت خارجی کنترل گروه‌های تجزیه طلب را در دست داشته باشد به نحوی که استفاده از زور توسط گروه تجزیه طلب، در واقع، به مثابه استفاده دولت خارجی از زور علیه دولت محلی می‌شود، مخصوصه مسلحانه تحت شمول پاراگراف اول ماده دوم کنوانسیون چهارم مخصوصات مسلحانه میان دولت‌ها قرار خواهد گرفت. به طور کلی، می‌توان حالت‌های متفاوتی را برای مخصوصات مسلحانه بین‌المللی شده متصور شد: اول، زمانی که دو یا چند دولت خارجی هر کدام به حمایت از یک گروه داخلی در مخصوصه دخالت می‌کنند. مخصوصه دولت خارجی با دولت خارجی دیگر؛ دوم، زمانی که دولت محلی با گروه یا گروه‌های داخلی در حال مخصوصه بوده و دولت خارجی برای حمایت از گروه یا گروه‌های داخلی در مخصوصه مداخله می‌کند. مخصوصه دولت خارجی با دولت محلی که دولت محلی با گروه یا گروه‌های داخلی در حال مخصوصه بوده و دولت خارجی به حمایت از دولت محلی در مخصوصه مداخله می‌کند. مخصوصه دولت خارجی با گروه یا گروه‌های داخلی (مرادی نژاد، ۱۳۹۶: ۳۵-۳۴).

بررسی تحولات سیاسی یمن

در یمن چهار جریان عمده مشغول فعالیت و نقش‌آفرینی سیاسی در تحولات یمن هستند: ۱. جریان کنگره که منسوب به رئیس‌جمهور سابق علی عبدالله صالح است؛ ۲. حزب اصلاح با گرایش‌های وهابی که مورد حمایت عربستان سعودی نیز است؛ ۳. جریان جنوب که اکثریت یمن را در بردارد. این جریان در درون خود سه رویکرد استقلال طلب، طرفداران فدرالیسم و جریان حداقلی را شاهد است؛ ۴. جریان زیدیه و حوثی‌ها که در نقاط مختلف، به ویژه منطقه صعده حضور دارند و گفته می‌شود حدود چهل درصد جمعیت یمن را تشکیل می‌دهند. جنبش مردمی شیعیان حوثی نیز از جمله جریان‌های مهمی هستند که خواهان رفع استبداد داخلی و تحقق مطالبات مردم یمن و پایان دخالت عربستان و آمریکا در کشور یمن هستند. همه این‌ها باعث شد تا شخصیت‌هایی چون عالمه بدرالدین الحوثی و فرزندانش که جنبش انصار الله را تأسیس کردند، به فکر بازاندیشی در باب مذهب زیدیه و رسالت آن در قبال کشور یمن برآیند. به نظر می‌رسد (امیری، ۱۳۹۷: ۱۲۶).

علی عبدالله صالح اگرچه خود به زیدی‌ها منتسب بود، قبیله حاشد را که خود به آن تعلق داشت، در سراسر یمن به حاکمیت رساند و با تکیه بر آمریکا و عربستان و پرداخت رشوه به سران قبایل دیگر، قدرت خود را در یمن تثبیت کرد. یکی از مأموریت‌های صالح سرکوب آزادیخواهان به‌ویژه زیدی‌ها و شیعیان بوده است. وی با تکیه بر بعضی دول خارجی و در پی تثبیت وضعیت خود حتی به استقبال بحران‌هایی مانند نبرد با شیعیان حوثی رفت و به عرصه درگیری‌های نظامی با گروه‌های مبارز و آزادیخواه وارد شد و طی هفت سال شش جنگ تمام‌عیار را به راه انداخت. قیام مردم صعده و کشته شدن حسین الحوثی، نماینده سابق پارلمان و رهبر حوثی‌های یمن، نقطه عطف تحویل یمن در دهه اخیر بوده است. همچنین رویارویی دولت با انتفاضه مردم جنوب و خطرهای ناشی از فعالیت‌های گسترده وهابیت سبب نارضایتی شدید مردم از اوضاع سیاسی، اجتماعی و اقتصادی شده و با اوج گرفتن درگیری‌ها و تشدید اقدامات سرکوبگرانه دولت، اعتراضات مردم یمن با الهام گرفتن از قیام ملت‌های تونس و مصر وارد مرحله حساس خود شد و به سردادن شعار برکناری علی عبدالله صالح از سوی مردم انجامید. شماری از نمایندگان مجلس استعفا کردند؛ قضات در اعتراض به عملکرد دولت و تقاضای تغییر شورای عالی قضایی و استقلال دستگاه قضا از دخالت دولت، تظاهرات به راه انداختند؛ شورای علمای یمن نیز اقدام به اعتراض کردند و تعرض به تظاهرکنندگان حرام اعلام شد. حتی زنان نیز به نحو بی‌سابقه‌ای به تجمعات و تظاهرات پیوستند (فضائلی، ۱۳۹۵: ۴۶).

به‌رحال با وقوع بهار عربی در کشورهای منطقه، یمن نیز دستخوش تحولات تازه‌ای شد و مردم این کشور با تشکیل یک جنبش مردمی، رژیم علی عبدالله صالح را به چالش کشیدند عمده جریان‌ها و نیروهای اجتماعی که در مقابل حکومت عبدالله صالح صف‌آرایی کردند، عبارت‌اند از: جنبش جوانان و دانشجویان، حوثی‌ها، مردم جنوب، خاندان پرنفوذ الحمر و هابی گروه از افسران ارتش که از حکومت صالح جدا شدند بدون شک آغازگر قیام مردم، جوانان و دانشجویان مستقل بودند؛ ولی به دلیل قبیله بافت ای یمن سرعت به وجوه قبیله‌گی چیره شد های رگه و اولیه انقلاب دموکراتیک در میان شکاف‌های عمیق قبیله‌گی و مذهبی و همچنین، بهره‌گیری عبدالله صالح و جریان‌های مختلف از این شکاف‌ها گم شد. به‌رحال در روندی پیچیده و با مدیریت شورای همکاری خلیج فارس و حمایت آمریکا، منصور هادی جانشین عبدالله صالح شد و صالح در سال ۲۰۱۳ قدرت را پس از ۳۵ سال ترک کرد با این حال ناکامی دولت منصور هادی در تقسیم قدرت میان‌های گروه معترض سبب افزایش تحریکات شیعیان یمنی شد. هم‌زمانی این موضوع با تقویت نیروهای القاعده در جنوب این کشور به تشدید ناآرامی و ناامنی در یمن منجر شد. تداوم اعتراضات نیروهای حوثی به فساد و وابستگی دولت به غرب و آمریکا و های سیاست اقتصادی دولت سبب پیشروی چشمگیر شیعیان و کنترل‌های استان صعده و عمران توسط این جریان‌ها شد (نیاکوئی و اعجازی، ۵۰: ۱۳۹۵). یمن از روز ۱۸ تا ۲۵ مارس ۲۰۱۵ شاهد چند اتفاق مهم بود که در نهایت منجر به مداخله نظامی ائتلافی که ریاست آن را عربستان سعودی بر عهده دارد، شد. عبدالکریم الخیوانی، نماینده جنبش انصارالله روز ۱۸ مارس ترور شد. روز ۲۰ مارس نیز چند انفجار تروریستی در مساجد حشوحش و بدر در صنعا، پایتخت یمن، رخ داد که طی آن صدها نفر از نیروها و حامیان انصارالله کشته و زخمی شدند.

نیروهای انصار الله نیز در واکنش به این انفجارها، ابتدا به سمت شهر تعز، سومین شهر بزرگ یمن، حرکت کرده و کنترل کامل این شهر و فرودگاه آن را در اختیار گرفته و توانستند بر ساختمان‌های دولتی، نظامی و دادگستری شهر تعز تسلط یابند. نیروهای انصار الله پس از کنترل تعز، به سمت شهر عدن که کانون توطئه علیه انصار الله بود و منصور هادی نیز در آنجا حضور داشت، حرکت کرده و روز ۲۵ مارس توانستند کنترل این شهر را نیز در اختیار گیرند. منصور هادی بار دیگر و این بار از عدن فرار و به خارج از یمن گریخت کنترل انصار الله بر شهر جنوبی و راهبردی عدن به منزله پایان دوران انتقالی منصور هادی بود (فیروز کلائی، ۱۳۹۴: ۱۷۰).

تجاوز نظامی عربستان سعودی به یمن

از نظر واکنش بازیگران خارجی به حوادث داخلی یمن در جریان بهار عربی و پس از آن، بدون شک عربستان مهم‌ترین نقش را در این تحولات داشته است. عربستان همواره نقشی مداخله‌گرایانه در یمن داشته و این کشور را حیاط خلوت خود تلقی کرده است، طوری که اکثر مردم یمن گذشته از مذهب، جهت‌گیری سیاسی یا طبقه اجتماعی؛ بر این باورند که عربستان نقش مهمی در بی‌ثباتی این کشور ایفا می‌کند. مهم‌ترین اقدامات ائتلاف سعودی عبارت‌اند از: ائتلاف‌سازی نظامی و کسب حمایت سیاسی، محاصره اقتصادی و نظامی، بی‌اعتنایی به هنجارهای حقوقی و انسانی بین‌المللی، کسب حمایت سازمان‌ها و قدرت‌های بین‌المللی، جبهه‌بندی سیاسی و مذهبی، جنگ روانی و رسانه‌ای، تخریب زیرساخت‌های اقتصادی و دولتی، حمله نظامی و کشتار غیرنظامیان، مشروعیت‌زدایی از بازیگران مستقل و طرح دولت‌سازی نوین (التیامی نیا و همکاران، ۱۳۹۵: ۱۸۵). از جنگ می‌توان به‌عنوان آخرین گزینه‌ی دولت‌مداران و سیاست‌مداران در هر نظام سیاسی یاد کرد که به معنای به‌بن‌بست رسیدن سایر گزینه‌های پیش رو است. تجاوز نظامی عربستان به یمن نیز استیصال و درماندگی این کشور در مقابل تحولات رخ داده در داخل یمن و ناامیدی کاملی این کشور از امکان بازگرداندن شرایط وابستگی قبلی یمن به این کشور را نشان می‌دهد. از مهم‌ترین علل تجاوز عربستان به یمن می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

موقعیت ژئوپلیتیک و استراتژیک یمن: این کشور در جنوب شبه‌جزیره عرب قرار گرفته است و مرزهای دریایی گسترده‌ای در دریای سرخ و خلیج عدن دارد. موقعیت استراتژیک این کشور به لحاظ اشراف بر شاخ آفریقا و امکان کنترل تحرکات این منطقه و نیز سواحل شرقی آفریقا از طریق مرزهای دریایی جنوب و غرب یمن و نیز جزیره سوکاترا، اهمیت ویژه‌ای به این کشور داده است. به‌علاوه، اشراف این کشور بر تنگه باب‌المندب اهمیت مضاعفی به آن از نظر تأمین امنیت انرژی و ترانزیت کالا داده است. در واقع درصد زیادی از رفت‌وآمدی که در کانال سوئز صورت می‌گیرد، از باب‌المندب هم می‌گذرد، پس به همان میزان که کانال سوئز حائز اهمیت است، باب‌المندب هم مهم است.

به قدرت رساندن منصور هادی و ایجاد یک دولت هم‌پیمان: عربستان سعودی به‌منظور حمایت از منصور هادی، از ابتدای حمله ائتلاف، تلاش بسیاری داشته که نیروهای انصار الله را از عدن بیرون براند. عربستان سعودی که از مخالفان اصلی به قدرت رسیدن انصار الله و تشکیل دولت مردمی در یمن است از روز ۲۳ مارس

تعداد نیروهای نظامی خود در مرزهای با یمن را افزایش داد، منصور هادی را رئیس‌جمهور مشروع یمن اعلام و از روز ۲۶ مارس باهدف آنچه بازگرداندن مشروعیت به یمن عنوان شد، عملیات موسوم به «طوفان قاطع» (به عربی: عملیة عاصفہ الحزم) علیه یمن و انصار الله آغاز کرد (فیروز کلائی، ۱۳۹۴: ۱۷۰).

نگرانی نسبت به گسترش قدرت انصار الله و تهدید مرزهای جنوبی: حوثی‌ها اختلافات قابل توجهی با عربستان سعودی و نیروهای هم‌پیمان عربستان دارند و این موضوع علاوه بر اختلافات مذهبی و فکری، ریشه در گذشته هم دارد. تضاد و تقابل زیدی‌ها با سلفی‌گری و وهابیت و نزدیکی آن‌ها به شیعه دوازده‌امامی، با توجه به وجود اقلیت‌های شیعه و اسماعیلی در عربستان، خطر تعامل شیعیان و زیدی‌ها بر ثبات داخلی عربستان، باعث نگرانی سعودی‌ها شده است. در همین راستا عربستان سعودی با توجه به ناتوانی ارتش یمن در سرکوب حوثی‌ها و خطرات طولانی شدن جنگ صعده (۲۰۰۹) و نیز گسترش رویارویی ارتش یمن و حوثی‌ها به مناطق جنوبی پادشاهی، وارد جنگ شد پس از رویارویی‌های گسترده با حوثی‌ها توانست آن‌ها را وادار به عقب‌نشینی کند. هرچند این کشور نتوانست به هدف غیر اعلانی خود در از میان برداشتن کامل قدرت حوثی‌ها از جنوب مرزهای خود دست یابد. از همین رو، توجه به روابط با عربستان از آن‌جهت حائز اهمیت است که مسائل تاریخی موجود در روابط دو کشور، عربستان را به بازیگر عمده‌ای در صحنه داخلی یمن تبدیل کرده است. در این زمینه توجه به این نکته لازم است که حزب الحق و تشکل جوانان مؤمن دو تشکل سیاسی رسمی و غیررسمی حوثی‌ها ابتدا در مقابل فعالیت‌های سیاسی و نیز فرهنگی سلفی‌های سعودی در یمن تأسیس شدند (صادقی و احمدیان، ۱۳۸۹: ۲۷۲) که در تحولات اخیر یمن هم حوثی‌ها مخالفت خود را با هرگونه دخالت خارجی از جمله دخالت عربستان در امور داخلی این کشور اعلام کردند.

نگرانی از مناطق نفت خیز: مهم‌ترین مناطق نفت‌خیز عربستان سعودی در مناطق هم‌مرز با یمن است که عربستان سعودی با بهره‌گیری از تجهیزات نظامی خود و هم‌پیمانان منطقه‌ای و فرماندهی خود، سعی در مهار انصار الله و رفع تهدید مرزهای جنوبی خود با یمن را دارد و این امر به عبارتی در جهت رقابت منطقه‌ای بین ایران و عربستان سعودی است و به این دلیل که انصار الله از جنبش‌های مورد حمایت ایران در منطقه است. موقعیت گسترش نفوذ جنبش انصار الله و شیعیان الحوثی در یمن و تسلط بیشتر بر تنگه راهبردی باب‌المندب، به‌عنوان یکی از مهم‌ترین مسیرهای انتقال انرژی در جهان و رگ حیاتی کشتیرانی در کانال سوئز، در کنار تسلط بر بندر الحدیده می‌تواند حاکمیت متحدان منطقه‌ای ایران را تقویت کرده و تردد دریایی از کانال سوئز و خلیج فارس را به کنترل درآورد که این موضوع چشم‌اندازی هشداردهنده برای طرف‌های منطقه‌ای و فرماندهی منطقه‌ای است که از نفوذ فزاینده ایران در منطقه نگران هستند. از این زاویه، یک یمن آرام و همسو با جمهوری اسلامی ایران می‌تواند نقش به‌سزایی را در تأمین امنیت کشتی‌های نفتی ایران داشته باشد در مقابل، روی کار آمدن یک دولت غیرهمسو با ایران در یمن و عدم نقش‌آفرینی این کشور به‌عنوان یکی از اجزای محور مقاومت می‌تواند امنیت اسرائیل تضمین کند و همیشه تهدید علیه ایران را در نقاط استراتژیک به‌عنوان یک گزینه‌ی تضعیف در دست داشته باشد (جعفری فر و شکرزاده چهاربرج، ۱۳۹۷: ۱۵).

رقابت‌های منطقه‌ای ایران و عربستان: نظر جمهوری اسلامی ایران اولین بار در اواخر دهه ۱۹۸۰ و در زمان پایان جنگ هشت‌ساله عراق و ایران به یمن جلب شد. در سال ۱۹۹۰ زمانی که یمن و عربستان سعودی در پی تصمیم صنعا برای حمایت از عراق پس از حمله صدام حسین به کویت دچار اختلاف نظر شدند، تهران از فرصت بهبود روابط با صنعا استفاده کرد؛ اما یمن در آن زمان در موقعیتی قرار نداشت که توجه ایران را به خود جلب کند و از این رو، تأثیرگذاری و نفوذ ایران در یمن طی این سال‌ها بیشتر تأثیرگذاری ایدئولوژیکی بود (واتانکا، ۱۳۹۴). به نظر کارشناسان با تحولات یمن در سال ۲۰۱۵ همه معادلات در حال تغییر بوده و ژئوپلیتیک جدید خاورمیانه و رقابت‌های منطقه‌ای، اهداف جدیدی برای ریاض و تهران و قاهره و حتی ابوظبی رقم زد. وقتی عبدربه منصور هادی تصمیم گرفت که با کمک خارجی‌ها به قدرت بازگردد، عربستان در مقابل شورشیان مسلح زیدی از او حمایت کرد تا صنعا به «پایتخت چهارم» تبدیل نشود؛ پایتخت چهارم اصطلاحی کنایی با این معنا که ایران موفق شده است که بیروت، بغداد و دمشق را تصاحب کند و اگر حوثی‌ها موفق شوند در نتیجه صنعا چهارمین پایتختی خواهد بود که به زیر سلطه تهران در خواهد آمد. در سایه‌ی این هراس امارات که خودش را به‌عنوان دومین ستون ائتلاف کشورهای عربی به رهبری عربستان علیه حوثی‌ها می‌دانست، به‌واسطه اهداف توسعه‌گرایانه منحصر به فردش، به یک عملیات گسترده نظامی-سیاسی نیز در یمن دست زد باشد (جعفری فر و شکرزاده چهاربرج، ۱۳۹۷: ۱۵). این بحران نشان‌دهنده رقابت دیرینه ایران و عربستان سعودی در منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا می‌باشند، به‌طوری‌که یکی از مهم‌ترین دلایل تهاجم نظامی ائتلاف تحت رهبری عربستان سعودی، مسائل مرتبط با رقابت‌های منطقه‌ای ایران و عربستان است و این رقابت‌ها تمایل این کشور برای رهبری منطقه آشکار می‌سازد. بدون شک عربستان سعودی در حال نشان دادن قدرت‌نمایی جدید و بی‌سابقه‌ای از طریق مداخله نظامی در یمن، بحرین، سوریه و احتمالاً در لیبی است؛ اما آیا این اقدامات باعث تشکیل رهبری می‌شوند؟ رهبری شامل یک حس جهت‌دهی، داشتن چشم‌انداز و ایدئولوژی منسجم و مجموعه‌ای از ارزش‌ها و اصول در سیاست خارجی است که منجر به ایجاد تحول و تبدیل به کشوری توسعه‌یافته‌تر می‌شود. این در حالی است که عربستان سعودی در تمام این جبهه‌ها شکست‌خورده است (فولر، ۱۳۹۴).

هراس از رسیدن دموکراسی به عربستان: روزنامه «هافینگتن پست» آمریکا با انتشار مقاله‌ای از «جو لوریا» خبرنگار امور خارجی و تحلیلگر مسائل سیاسی در نیویورک به نقل از یک دیپلمات آگاه از اوضاع یمن بیان می‌دارد: «حوثی‌ها دست‌نشانده ایرانی‌ها نیستند، خودشان تصمیم‌گیری می‌کنند و دارای تاکتیک‌های تروریستی نیستند». آن‌ها یک طایفه زیدی هستند. جنبش حوثی در سال ۱۹۹۰ شکل گرفت و از ایران نیز به‌جز ۵ سال گذشته حمایتی دریافت نکرد. این دیپلمات فرضیه دیگری از انگیزه واقعی مداخله عربستان را فراتر از حوثی‌ها و ایران است. علت اصلی این بود که ریاض قصد داشت تهدید دموکراسی نوپا را در خانه خود از بین ببرد. این دیپلمات هم‌چنین تأکید کرد که مردم یمن آینده خود را از طریق مذاکرات و با آزادی انتخاب می‌کنند. به گفته این دیپلمات، معامله بن عمر به این توافق ختم شد که ۳۰٪ از منصب‌های وزارتی و ۳۰٪ از کرسی‌های پارلمان در اختیار زنان قرار گیرد ولی در عربستان سعودی هنوز بر سر این مسئله مجادله دارند که آیا زن می‌تواند رانندگی کند یا خیر. جو لوریا در

ادامه مقاله خود می‌نویسد که «بهار عربی» با راهبرد عربستان همخوانی ندارد. عربستان از بیم اینکه دموکراسی در کشور خود گسترش یابد اجازه نمی‌دهد که دموکراسی به همه منطقه برسد؛ زیرا گسترش دموکراسی، پادشاهی ویژه این کشور را تهدید می‌کند (Salisbury, 2015).

اتحاد عربستان با ایالات متحده و از بین بردن نیروهای مخالف آمریکا و رژیم اسراییل در یمن:

محمد الحوثی رئیس کمیته عالی انقلاب یمن و از رهبران بلندپایه انصار الله یمن در گفتگو با شبکه المیادین بیان کرده که عربستان به ما حمله کرد، چراکه ما باعث نگرانی اسراییل شده بودیم و تجاوز به یمن از سوی آمریکا و اسراییل مدیریت می‌شود (گروه بین‌الملل، ۲۴ اردیبهشت ۱۳۹۴). این مطالب بخشی از سخنان مقامات عالی‌رتبه جنبش انصار الله در یمن بوده که نشانگر اهمیت نتیجه این تهاجم نظامی، برای ایالات متحده و هم‌پیمانان منطقه‌ای خود است. بدون شک، ایالات متحده این موضوع را به‌خوبی درک می‌کند که به‌منظور تأمین امنیت عربستان سعودی باید با هرگونه تهدید علیه این کشور مقابله کند و از این‌رو تهاجم ائتلاف تحت رهبری عربستان سعودی در راستای منافع مشترک عربستان سعودی و ایالات متحده به‌منظور حفظ امنیت مناطق نفت‌خیز عربستان و عدم تسلط مخالفان عربستان و آمریکا بر تنگه باب‌المندب صورت گرفته، زیرا اگر جنبش انصار الله بر یمن مسلط شود منافع ایالات متحده را در حوزه‌های اقتصادی و انرژی نه تنها در منطقه خاورمیانه بلکه در سطح بین‌المللی با چالشی اساسی مواجه خواهد کرد. تسلط انصار الله بر یمن به معنی گسترش نفوذ ایران مخالف با آمریکا و رقیب اصلی عربستان در منطقه خاورمیانه در همسایگی عربستان است و این امر برای این دو کشور خوشایند نیست (فیروز کلائی، ۱۳۹۴: ۱۸۳).

اقدامات سازمان ملل در هنگام شروع بحران یمن

گزارش‌های محکمه‌پسند نشانگر ارتکاب گسترده جنایات بین‌المللی از سوی ائتلاف مهاجم به یمن، به رهبری دولت عربستان سعودی است. شورای حقوق بشر سازمان ملل متحد یکی از فعال‌ترین نهادها در رابطه با بحران یمن بوده است. این شورا از سال ۲۰۱۱ تاکنون نه قطعنامه صادر کرده است که مهم‌ترین موضوعات آن انعکاس گزارش‌های کمیساریای عالی حقوق بشر در یمن و ایجاد مکانیسم‌های بین‌الملل برای بررسی وضعیت نقض حقوق بشر در یمن است.

قطعنامه ۲۲۵۱

قطعنامه ۲۲۵۱ اولین قطعنامه‌ای است که بعد از برکناری علی عبدالله صالح صادر شده است و راه‌حل و نقشه راه خروج از بحران را مشخص می‌کند. این قطعنامه در تاریخ ۲۲ خرداد ۱۳۹۱ و با اتفاق آرای اعضای دائم و غیر دائم شورای امنیت تصویب شد.

قطعنامه ۲۱۴۰

قطعنامه ۲۱۴۰ در تاریخ ۷ اسفند ۹۲ و با اتفاق آرای اعضای دائم و غیر دائم شورای امنیت تصویب شد. قطعنامه ۲۱۴۰ را می‌توان تداوم تکمیل فرایند گذار و مرحله انتقالی دانست. این موضوع از مفاد و روح حاکم بر قطعنامه، قابل استنباط و

استخراج است. قطعنامه مذکور ضمن یادآوری راهکارهای مشخص شده در طرح شورای همکاری خلیج فارس و تأکید بر قطعنامه‌های پیشین، ۳۴ نکته و بند را در برمی‌گیرد.

قطعنامه ۲۲۰۱ و لزوم خروج از شهرها

قطعنامه ۲۱۴۰ طرح شورای همکاری خلیج فارس را تأیید و تکمیل می‌کرد. این طرح و قطعنامه‌های شورای امنیت، آرمان‌ها و مطالبات انقلابی مردم را مصادره کرد و درواقع یک پاسخ سرکوبگرانه به مطالبات انقلابی مردم یمن بود.

قطعنامه ۲۲۰۴ و تمدید فعالیت کمیته تحریم

کمیته تحریم باید دارایی‌ها و اموال رهبران انصار الله و هم‌پیمانانش را مسدود کند و تحریم سیاسی و مالی علیه آن‌ها اعمال کند. کمیته تحریم وظایف دیگری نیز دارد؛ برنامه‌ریزی برای برقراری گفت‌وگو میان طرف‌های درگیر و رفع سوء تفاهمات کشورهای ذینفع از جمله این وظایف است.

قطعنامه ۲۲۱۶ و نادیده گرفتن تجاوز آل سعود به یمن

متعاقب تحولات و تغییرات ایجادشده در عرصه سیاسی یمن، شورای امنیت ضمن چشم بستن بر تجاوز آل سعود که در ۶ فروردین ۹۴ به وقوع پیوست (قطعنامه ۲۲۱۶) را علیه انقلاب یمن صادر کرد. قطعنامه مذکور در ۲۵ فروردین ۹۵ و در اثنای جلسه بررسی اوضاع یمن، با ۱۴ رأی مثبت اعضا دائم و غیر دائم و یک رأی ممتنع روسیه تصویب شد. در قطعنامه ۲۲۱۶ نیز بی‌اعتباری قطعنامه‌های شورای امنیت محرز می‌شود (کریمی و همکاران، ۱۳۹۹: ۷۰-۶۹). قطعنامه ۲۲۱۶ تحت بند هفتم منشور سازمان ملل تنظیم شده و این به معنای آن است اگر حوثی‌ها به آن تن ندهند با اقدام نظامی از سوی جامعه جهانی مواجه خواهند شد.

واکنش‌ها به قطعنامه شورای امنیت علیه یمن

در اولین واکنش‌ها نسبت به این خبر، عبداللطیف الزیانی، دبیر کل شورای همکاری خلیج فارس با استقبال از تصویب این قطعنامه اعلام کرد: شورای همکاری خلیج فارس امیدوار است این قطعنامه گامی در جهت تحقق ثبات و امنیت در یمن و حمایت از مشروعیت در این کشور باشد. هم‌چنین عبدالله المعلمی، نماینده عربستان در سازمان ملل از تصویب قطعنامه اعمال تحریم‌ها علیه انصار الله در شورای امنیت استقبال کرد. در مقابل جنبش انصار الله تصویب قطعنامه کشورهای شورای خلیج فارس در شورای امنیت را به شدت محکوم کرد و از مردم یمن خواست برای محکومیت این قطعنامه ۱۶ آوریل ۲۰۱۵ (۲۷ فروردین ۱۳۹۴) به خیابان‌ها آمده و اعتراض خود را نسبت به صدور این قطعنامه اعلام کنند. محمدالبخیتی عضو دفتر سیاسی جنبش انصار الله نیز در این زمینه اعلام کرد: کمیته‌های انقلابیون نیازی به سلاح از خارج ندارند و صدور چنین قطعنامه‌ای هیچ تأثیری در این زمینه ندارد. یکی از نکات قابل تأمل در جلسه ۱۴ آوریل ۲۰۱۵ شورای امنیت، موضع روسیه بود. مقامات مسکو که تا پیش از این از وتو کردن هرگونه قطعنامه‌ای علیه یمن سخن گفته بودند، هنگام رأی‌گیری

در کمال تعجب رأی ممتنع دادند. در همین حال، ویتالی چورکین، نماینده روسیه در سازمان ملل در نشست شورای امنیت در توضیح رأی ممتنع مسکو گفت: «این قطعنامه با موضع پیشنهادی سازنده‌ی روسیه برای توقف درگیری‌ها و گسترش تحریم‌های تسلیحاتی به همه زمین‌های درگیر، کاملاً در یک راستا قرار نداشت». کارشناسان براین باورند روسیه در این بین برای منافع خود و بنا به برخی ملاحظات، پشت حوثی‌ها را خالی کرده و آن‌ها را در مقابل حملات هوایی، دریایی و توپخانه‌ای عربستان تنها گذاشته است که دلایل آن را می‌توان در سفرهای اخیر مقامات عربستانی به مسکو جستجو کرد. روسیه که به دلیل بحران اوکراین تا حدود زیادی در مجامع بین‌المللی تحت فشار قرار دارد، ظاهراً از این که حمایت کشورهای نفت خیز عرب را از دست بدهد، نگران است و ترجیح می‌دهد تمام قدرت خود را در مخالفت با اقدامات علیه مردم یمن را فقط با یک رأی ممتنع نشان دهد (جام جم، ۱۳۹۴). دبیر کل سازمان ملل متحد نیز در رویکرد نظری و عملی خود درباره بحران یمن همسو با شورای امنیت حرکت کرده است. بان کی مون ابتدا جمال بن عمر را به‌عنوان نماینده خود در بحران یمن برگزید. جمال بن عمر پس از اینکه به این نتیجه رسید که حل بحران یمن با کارشکنی‌های عربستان امکان‌پذیر نخواهد بود از سمت خود استعفا داد. با استعفای بن عمر دبیر کل سازمان ملل اسماعیل ولد الشیخ را به‌عنوان نماینده جدید خود برگزید. اگرچه اسماعیل ولد الشیخ، نماینده دبیر کل در بحران سوریه برای برگزاری گفتگوهای ژنو درباره بحران یمن تلاش زیادی انجام داد اما نادیده گرفتن واقعیت‌های میدانی یمن و همسویی با راهبرد قدرت‌های غربی عضو شورای امنیت سبب شد این نشست حتی پیش از تشکیل نیز شکست خورده باشد (عمادی، خبر و تفسیر، ۱۳۹۴).

ارزیابی حقوقی جنگ یمن

خسارت‌های وارد آمده در اثر جنگ بر یمن به‌درستی معلوم نیست. برخی منابع از جمله رویترز چنین عنوان می‌کنند که درحالی که حملات نظامی همه‌جانبه ائتلاف عربستان به یمن دارد به سال دوم نزدیک می‌شود، این جنگ تاکنون ۱۴ میلیارد دلار خسارت به این کشور وارد کرده است. طبق گزارش مشترک بانک جهانی، سازمان ملل، بانک توسعه اسلامی و اتحادیه اروپا، جنگ یمن ۷ میلیارد دلار خسارت اقتصادی داشته و ۳/۷ میلیارد دلار هم به بخش تولید و خدمات آسیب وارد کرده است (روزنامه شرق، ۱۳۹۵).

توسل به زور

توسل به زور بر اساس ماده ۲(۴) منشور سازمان ملل متحد ممنوع است. دولت‌ها می‌توانند تنها در مقام اعمال حق دفاع مشروع ذاتی خود به صورت فردی یا جمعی (ماده ۱۵) در چارچوب اقدامات نظامی شورای امنیت (فصل هفتم) اقدام در موارد تهدید علیه صلح، نقض صلح و اعمال تجاوز (مواد ۹۳ الی ۴۹) به زور متوسل شوند و در این راستا دولت‌ها مجازند در مواردی به دولت‌هایی که مورد تجاوز قرار گرفته‌اند کمک نمایند و این موضوع مورد تأیید آرای دیوان بین‌المللی دادگستری نیز قرار گرفته است و در صورتی که این کمک و معاضدت با حق تعیین سرنوشت ملت‌ها مغایرت داشته باشد ممنوع بوده و اقدام دولت مذکور تجاوز محسوب می‌گردد. انستیتو حقوق بین‌الملل در سال ۲۰۱۱ قطعنامه‌ای بر مبنای «مداخله بر اساس دعوت» را در ردز تصویب کرد. بر اساس ماده ۹ قطعنامه کمک نظامی در نقض منشور ملل متحد، اصول

عدم مداخله، تساوی حق خلق‌ها در حق تعیین سرنوشت آن‌ها و قواعد عموماً پذیرفته‌شده حقوق بشر به‌ویژه وقتی هدف از آن حمایت از حکومت علیه مردم خودش باشد ممنوع است و در این صورت این اقدام تجاوز و توسل به‌زور محسوب می‌گردد (امیرعلی، ۱۳۹۵: ۸). یمن از روز ۲۶ مارس ۲۰۱۵ تاکنون، طی بیش از صد روز شاهد حملات عربستان است. عربستان سعودی با فرقه‌ای جلوه دادن تحولات سپتامبر ۲۰۱۴ تا مارس ۲۰۱۵ یمن، تلاش کرد ائتلافی منطقه‌ای ضد انصار الله تشکیل دهد و مانع شکل‌گیری نظم سیاسی جدید در یمن شود. نتیجه جنگ عربستان علیه یمن، اعلام حالت فوق‌العاده انسانی درجه ۳ توسط سازمان ملل بود و دیگر هیچ اعلام حالت فوق‌العاده انسانی درجه ۳ توسط سازمان ملل یعنی بالاترین هشدار برای شرایط بحرانی در جهان، ابعاد این بحران آشکارا حاکی از بالاترین هشدار برای بحران یمن است (عمادی، خبر و تفسیر، ۱۳۹۴). اگرچه خود کشورهای مداخله‌گر استفاده از زور بر ضد یمن را انکار می‌کنند و عملیات نظامی و شبه‌نظامیان را در قالب دفاع مشروع ملی (در خطر بودن صلح و ثبات منطقه‌ای و جهانی) توجیه می‌کنند اما نکته بسیار مهمی این است که «تهدید توسل به‌زور» در حقوق بین‌الملل تحریم شده و اتفاقاً در این قضیه تهدید حوثی‌ها و مردم یمن توسط عربستان و کشورهای ائتلاف قابل انکار نیست. شورای همکاری خلیج فارس رسماً و عملاً تهدید به استفاده از زور کرده است، این در حالی است که در بند ۴ ماده ۲ منشور، تهدید نیز در کنار توسل به‌زور مشمول همان میزان ممنوعیت است که برای استفاده از زور ممنوع شده است (اسماعیل نسب، ۱۳۹۵: ۱۳۷). تفسیر کمیته بین‌المللی صلیب سرخ از ماده ۲ مشترک کنوانسیون‌های ژنو نیز بیان می‌دارد که هر اختلافی که بین کشورها بروز نماید و منجر به ورود نیروهای مسلح شود... صرف‌نظر از اینکه چقدر این مخاصمه به طول انجامد و چقدر انسان در آن کشته شود، یک مخاصمه مسلحانه بین‌المللی است (سادات شارق و محمدی مطلق، ۱۳۹۵: ۱۷۸). شواهد از دیگر حملات بر اهداف نظامی، زیرساخت‌ها، ساختمان‌های دولتی، وسایط نقلیه و دیگر اهداف در یمن نشان می‌دهد که نیروهای ائتلاف قادر به حمله بر اهداف انتخابی با دقت مشخصی هستند (امیرعلی، ۱۳۹۵: ۱۰۵). برآوردها و تخمین‌ها حاکی از آن است که آسیب وارده به مدارس یمن به ۲۶۹ میلیون دلار می‌رسد. از بخش انرژی و تأسیسات مرتبط با آن در چهار شهر یمن هم چنین به نظر می‌رسد که ۱۳۹ میلیون دلار به تأسیسات انرژی این شهرها آسیب‌رسیده است.

نقض حقوق کودکان و زنان

بر اساس مفاد اعلامیه ژنو مصوب سپتامبر ۱۹۲۴ جامعه ملل پیرامون حمایت از کودکان و مفاد اعلامیه مجمع عمومی سازمان ملل متحد مصوب دسامبر ۱۹۷۴ پیرامون حمایت از زنان و کودکان در شرایط بحرانی و همچنین بر اساس ماده (۷۷) پروتکل نخست الحاقی به کنوانسیون‌های ژنو ۱۹۷۷ پیرامون احترام ویژه نسبت به کودکان، هر آنچه موجب به خطر افتادن امنیت زنان و کودکان و هتک حرمت و کرامت انسانی آنان شود مصداق نقض حقوق بین‌الملل بشردوستانه است. این پدیده در یمن ساری و جاری است، زیرا به دلیل تخریب بسیاری از منازل شهروندان یمنی توسط جنگنده‌های ائتلاف سعودی جمعیت قابل توجهی از مردم این کشور با بحران مسکن مواجه شده و آواره گشته‌اند. بیش از ۴ میلیون نفر بر اثر جنگ آواره شده‌اند که اغلب آنان از زنان و کودکان هستند. آوارگی نیز سبب بروز سایر مشکلات اجتماعی برای آنان می‌شود، زیرا آوارگان بیشتر در معرض خطر استثمار، آزار و اذیت و خشونت قرار دارند. زنان و دختران که نیمی از کل آوارگان را تشکیل

می‌دهند، بیشتر در معرض خطر هستند. برخی از زنان آواره نیز مورد آزار و اذیت‌های مختلفی قرار می‌گیرند، اما تمایلی به ارائه گزارش و بیان آن ندارند. علاوه بر زنان، کودکان آواره نیز در معرض ربایش قرار دارند (بیگی، ۱۴۰۰: ۱۰-۹).

نقض حقوق آموزش و پرورش

طبق ماده (۲۶) منشور جهانی حقوق بشر سازمان ملل از آموزش و پرورش به عنوان حق طبیعی بشر یاد کرده است. رایگان شدن تحصیلات ابتدایی، عمومیت یافتن آموزش حرفه‌ای و آموزش عالی همگانی از جمله موارد بیان شده در این ماده است. این در حالی که است که در طول هفت سال بحران یمن بیش از نیمی از مراکز آموزشی در این کشور معادل بیش از ۲۸۰۰ مرکز آموزشی مورد اصابت قرار گرفته و دانش آموزان بسیاری را به کام مرگ فرستاده یا زخمی کرده و مانع از ادامه تحصیل هزاران دانش آموز دیگر شده است. برای مثال از ماه ژانویه تا مارس ۲۰۲۱ تعداد پنج حمله نظامی به مراکز آموزشی موجب ایجاد وقفه در تحصیل بیش از ۳۰ هزار کودک گردید (همان: ۱۲-۱۱).

نقض حق حیات و آوارگی

فرحان حق، سخنگوی سازمان ملل، روز دوم جولای ۲۰۱۵ اعلام کرد که «بیش از ۲۱ میلیون و ۱۰۰ هزار نفر که بیش از ۸۰ درصد مردم یمن را تشکیل می‌دهند، نیازمند کمک و ۱۳ میلیون نفر نیز با کمبود مواد غذایی روبرو هستند. دسترسی به آب آشامیدنی برای ۹ میلیون و ۴۰۰ هزار تن از مردم یمن دشوار شده است. نظام بهداشت و درمان یمن با بسته شدن دست کم ۱۶۰ تأسیسات و اماکن بهداشتی و درمانی به علت ناامنی نبود مواد سوختی و تدارکات، در حال فروپاشی کامل است. در ۱۰ استان از ۲۲ استان یمن وضعیت اضطراری مواد غذایی رخ داده است که یک درجه کمتر از قحطی کامل به شمار می‌رود» (عمادی، خبر و تفسیر، ۱۳۹۴). طبق اعلام سازمان ملل متحد حداقل ۴۳۰۰ نفر یمنی کشته شده‌اند به علت جنگ و بمباران‌های هوایی و ده‌ها هزار نفر نیز زخمی شده‌اند که بیش از نصف مقتولین از زنان و کودکان می‌باشند و بیش از یک میلیون و چهارصد نفر بی‌خانمان شدند و بیش از ۸۰٪ جمعیت یمن نیازمند کمک‌های بشردوستانه‌اند و سیستم بهداشت در این کشور مختل و نیازمند دارو، سوخت و انواع بیماری و مالاریا نیز در کشور شایع گردیده است (امیرعلی، ۱۳۹۵: ۱۲۴).

قحطی و گرسنگی

اتحادیه بین‌المللی حقوق بشر، فعالیت برای مبارزه با قحطی، کر اینترنشنال، اوکسفام و پزشکان جهان در کنار شماری از سازمان‌های یمنی این ۴۳ سازمان حقوقی را تشکیل می‌دهند. در بیانیه مشترک این سازمان‌ها آمده است: ۱۴ میلیون نفر اعم از زن و مرد و کودک که نیمی از ساکنان یمن را تشکیل می‌دهند، در آستانه قحطی قرار دارند. این بیانیه از دولت‌ها خواست تا توقف فوری اقدامات خصمانه را تضمین و گسیل سلاح را که بیم آن می‌رود که از آن در یمن استفاده شود، به حالت تعلیق درآوردند. این بیانیه خاطر نشان کرد: بحران انسانی در یمن ساخته و پرداخته دست انسان و نتیجه مستقیم طرف‌های درگیر و محدودیت‌های شدید اعمال شده برای دسترسی به مواد غذایی، سوخت، وسایل و تجهیزات پزشکی

وارده و کمک‌های انسانی است (Tasnimnews, 1397). سازمان ملل تخمین زد که ۴۰۰ هزار کودک یمنی در سال ۲۰۲۱ از گرسنگی تلف می‌شوند. بر اساس گزارش دفتر هماهنگی امور بشردوستانه سازمان ملل متحد، ۶۶ درصد از افرادی که برای درمان یا پیشگیری از سوء-تغذیه در سال ۲۰۲۱ نیاز به حمایت داشتند، زنان بودند و از ۴,۷ میلیون نفری که از سوء-تغذیه رنج می‌بردند، ۱,۲ میلیون نفر را زنان باردار و شیرده تشکیل دادند. پروتکل دوم الحاقی به کنوانسیون‌های ژنو، استفاده از «قحطی به عنوان روش جنگی» را در درگیری‌های مسلحانه، ممنوع می‌کند (Irna, 1400). طبق آمار یونیسف تا پایان ماه می ۲۰۱۶، ۱/۲۱ میلیون یمنی به کمک‌های بشردوستانه نیاز دارند که ۹/۹ میلیون نفر کودک هستند، ۷/۲ میلیون نفر در داخل یمن آواره شدند، ۳۲۰ هزار کودک زیر ۵ سال در خطر سوء تغذیه بسیار شدید قرار دارند، ۲/۲ میلیون کودک از تحصیل محروم شدند، ۸ میلیون کودک نیازمند حمایت‌های اجتماعی هستند، ۱/۱۴ میلیون نفر نیز به مراقبت‌های بهداشتی نیاز دارند. «محمد الاسعدی» سخنگوی آژانس کودکان سازمان ملل متحد در یمن نیز اخیراً گفت دوسوم کودکانی که دچار سوء تغذیه شده‌اند با خطر مرگ روبرو هستند. پیش‌ازاین نیز سازمان خواربار و کشاورزی ملل متحد "فائو" اعلام کرده بود ۵۰ درصد مردم یمن، بویژه ساکنان ۱۹ ولایت از ۲۲ استان این کشور از گرسنگی و نداشتن امنیت غذایی رنج می‌برند و ۷۰ درصد از جمعیت این کشور برای تأمین نیازهای غذایی خود باید به‌سختی تلاش کنند (parstoday.com, 1395).

جمع بندی

با وجود آمارهایی که از بحران یمن ارائه می شود و مصداق جنایات تصریح شده در اساسنامه دیوان کیفری بین المللی است که توسط عربستان رخ داده است. موقعیت جغرافیایی یمن به سبب همسایگی با عربستان سعودی حائز اهمیت است و از مزیت های این کشور این است که در مجاورت تنگه راهبرد یمن باب المندب است. با این حال تحولات درونی در یمن بیانگر عدم تجانس میان طرف های درگیر در سطح بالا است. در حالی که منصور هادی و طیف وابسته به آن، همواره در قدرت حضور داشتند جنبش انصار الله همیشه در حاشیه سیاست یمن قرار داشت که توسط نظام سیاسی این کشور سرکوب می شد. انصار الله به لحاظ ماهیت سیاسی، مخالف سیطره غرب و رژیم آل سعود بر یمن است اما هیئت وابسته به منصور هادی وابستگی آشکاری به غرب و عربستان سعودی دارد. موضوع بحران یمن نیز مربوط به چینش و توزیع قدرت و تعیین نوع نظام سیاسی آن است که در عرصه حکومت داری، مهم ترین موضوع برای گروه های سیاسی یک کشور محسوب می شود. بحران یمن به اوج خود رسیده که آمارهای ارائه شده توسط نهادهای مختلف گویای این وضعیت وخیم است.

سناریو ائتلاف عربی به رهبری عربستان سعودی و جنگ علیه یمن بر وخیم تر شدن اوضاع انسانی در یمن منجر شده است. تلاش نماینده سازمان ملل در امور یمن، مذاکرات درباره بحران یمن زمانی می تواند به توقف یا دست کم کاهش بحران در این کشور بینجامد که ابتدا مذاکرات میان بازیگران منطقه ای و فرماندهی های تأثیرگذار در بحران یمن برگزار شود و این بازیگران به توافق ابتدایی و نقشه راهی برای ساختار و چینش قدرت در یمن دست یابند. پس از این مرحله، مذاکرات گروه های یمنی می تواند مطابق نقشه راه تعیین شده برگزار شود. در این صورت تشکیل دولت وحدت ملی و تعیین ساختاری فدرالی برای نظام سیاسی یمن، نظیر مدل عراق امکان بروز بیشتری خواهد داشت. این مدل فدرالی مورد حمایت غرب نیز هست و غرب به رهبری آمریکا در تلاش است در کشورهای منطقه خاورمیانه نظام فدرالی ایجاد شود. در صورتی که این روند در یمن طی نشود، با توجه به اینکه هیئت ریاض به طور مستقل تصمیم نمی گیرد و مبنا را نیز قطعنامه ۲۲۱۶ قرار می دهد که جنبش انصار الله و کنگره مردمی با بخش های اصلی آن مخالف هستند، مذاکره، نتیجه سازنده ای برای بحران یمن نخواهد داشت. شکست مذاکرات سیاسی نیز به معنای تداوم جنگ و احتمال بروز سناریوهای ذکر شده خواهد بود. آنچه از مباحث صورت گرفته برمی آید این است که سازمان ملل بار دیگر ناکارآمدی و تحت نفوذ بودن خود توسط برخی کشورهای قدرتمند را در جنگ یمن نشان داد. کشتارهای فجیع در یمن، قحطی و سوء تغذیه و بروز بیماری های واگیر از قبیل وبا در یمن و سکوت جوامع بین المللی نشان از ناکارآمدی سازمان ملل است. در جنگ یمن عربستان سعودی با انجام جنایت بشری در یمن و با استفاده از نفوذ خود در کشورهای غربی توانسته از مصونیت کامل بین المللی برخوردار گردد؛ مصونیتی که نشان می دهد سازمان ملل و سازمان های دیگر از قبیل سازمان حقوق بشر بیشتر تحت تأثیر عوامل سیاسی هستند.

منابع

اسماعیل نسب، حسین (۱۳۹۵)، نقش قطعنامه ۲۲۱۶ شورای امنیت در اجرای حقوق بشردوستانه بحران یمن، فصلنامه مطالعات بین‌المللی، سال سیزدهم، شماره ۱، تابستان ۱۳۹۵، صص ۱۵۷-۱۲۷

امیرعلی، داود (۱۳۹۵)، حمله عربستان به یمن از منظر حقوق بین‌الملل، پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته حقوق گرایش بین‌الملل دانشگاه بهشتی، مرداد ۱۳۹۵

امیری، سروش (۱۳۹۷)، دولت‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای و بحران ژئوپلیتیکی و امنیتی یمن با تأکید بر ایران و عربستان و هم‌پیمانان، فصلنامه مطالعات سیاسی جهان اسلام، سال هفتم، شماره ۴، پیاپی ۸۲، زمستان ۱۳۹۷، صص ۱۴۰-۱۱۵
بیگی، علیرضا (۱۴۰۰)، بررسی وضعیت حقوق بشر در یمن در آستانه هفتمین سالگرد حمله ائتلاف سعودی، مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، شماره گزارش ۱۸۱۱۹

التیامی نیا، رضا؛ دولت‌آبادی، علی؛ نیک فر، جاسب (۱۳۹۵)، بحران یمن: بررسی زمینه‌ها و اهداف مداخلات خارجی عربستان و آمریکا، فصلنامه پژوهش‌های راهبردی سیاست، سال پنجم، شماره ۱۸، پاییز ۱۳۹۵ (شماره پیاپی ۴۸)، صص ۱۹۸-۱۷۱

جام جم (۱۳۹۴). واکنش‌ها به قطعنامه شورای امنیت علیه یمن، ۲۷ فروردین، قابل‌دسترسی در:
<http://press.jamejamonline.ir/newspreview/1906870708242130900>

جعفری فر، احسان؛ شکرآزده چهاربرج، رضا (۱۳۹۷)، بازتاب انقلاب اسلامی ایران بر شیعیان یمن، پژوهش‌های راهبردی انقلاب اسلامی، سال اول، شماره ۴، صص ۲۷-۱

سادات شارق، زهرا؛ محمدی مطلق، علیرضا (۱۳۹۵)، مسئولیت بین‌المللی کشورهای عضو ائتلاف در مخاصمه یمن در پرتو بین‌المللی شدن مخاصمه، فصلنامه آفاق امنیت، سال نهم، شماره سی و سوم، صص ۲۰۸-۱۷۳

صادقی، حسین؛ احمدیان، حسن (۱۳۸۹). دگرگونی جایگاه منطقه‌ای یمن: امکانات و چالش‌ها، فصلنامه راهبرد، شماره ۵۶، صص ۲۵۳-۲۸۰.

عمادی، سید رضی (۱۳۹۴). بررسی روند تجاوز سعودی‌ها به یمن، وبگاه اندیشکده راهبردی تبیین، ۲ اردیبهشت، قابل‌دسترسی در: <http://tabyincenter.ir>

عمادی، سید رضی (۱۳۹۴). سمت‌وسوی بحران یمن، خبر و تفسیر، ۱۵ تیر، قابل‌دسترسی در:

فضائلی، مصطفی (۱۳۹۵)، مداخله نظامی در یمن از منظر حقوق بین‌الملل، فصلنامه مطالعات حقوق عمومی، دوره ۴۶، شماره ۱، صص ۷۰-۴۱

فولر، گراهام (۱۳۹۴). عربستان توانایی رهبری منطقه را ندارد، ترجمه: حسین هوشمند، وبگاه دیپلماسی ایرانی، ۲۷ اردیبهشت، قابل دسترسی در:

فیروز کلائی، عبدالکریم (۱۳۹۴)، تحلیلی بر مهم‌ترین علل تهاجم نظامی ائتلاف تحت رهبری عربستان سعودی به یمن، پژوهش‌های منطقه‌ای، شماره ۷، صص ۱۵۹-۱۸۹.

کریمی، الهام؛ صلاحی، سهراب؛ عسگر خانی، ابو محمد (۱۳۹۹)، بحران یمن و مسئولیت بین‌المللی سازمان ملل، فصلنامه تحقیقات سیاسی و بین‌المللی، شماره ۴۴، صص ۶۲-۷۹.

مرادی نژاد، عباس (۱۳۹۶)، بررسی ابعاد مسئولیت بین‌المللی عربستان و متحدانش ناشی از حمله نظامی به یمن، پایان‌نامه ارشد حقوق بین‌الملل دانشگاه قم

نیاکوئی، سید امیر؛ اعجازی، احسان (۱۳۹۵)، واکاوی بحران امنیتی در یمن: علل و زمینه‌ها (۲۰۱۶-۲۰۱۱)، فصلنامه تحقیقات سیاسی بین‌المللی، شماره ۲۸، صص ۳۹-۶۲.

قحطی؛ سلاح سعودی علیه مردم یمن, (1400) irna

<https://www.irna.ir/news/84671846/>

, چشم انداز بحران یمن, (1395) parstoday

<http://parstoday.com/dari/radio/uncategorised-i2863>

Salisbury (2015) Yemen and the Saudi–Iranian ‘Cold War’, Chatham House, February, p 11.

هشدار ۳۵ سازمان حقوقی: یمن در آستانه قحطی است, (1397) Tasnimnews

<https://www.tasnimnews.com/fa/news/1397/08/17/1871336/>